

مقاله پژوهشی

توسعه امنیت فرهنگی، طرحی برای تغییر در سیستم‌های اجتماعی؛ زنجیره تغییر

جعفر ترک‌زاده^۱؛ زهرا پاکباز^۲؛ کوثر خادم^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

چکیده

بروز پدیده جهانی شدن و پیرو آن، سرعت و حجم بالای تبادل اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارهای متنوع، موجب تشدید پیچیدگی‌ها و تهدیدهای فرهنگی ناشی از آن برای جوامع مختلف گردیده است. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از مدلی جامع و منطبق با شاخص‌های دنیای متحول کنونی جهت توسعه امنیت فرهنگی می‌تواند بستر مناسبی برای حفاظت و توسعه فرهنگی ایجاد کند. در همین راستا، در این پژوهش تلاش گردید تا با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش تحقیق فلسفی، طرحی برای امنیت فرهنگی مبتنی بر "زنجیره تغییر" در سیستم‌های اجتماعی ارائه گردد. گردآوری داده‌ها با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها، با روش تحلیل تأملی، انجام گردید. اعتبار یافته‌های پژوهش با استفاده از تکنیک‌های اعتبارپذیری، اعتمادپذیری و انتقال‌پذیری احراز گردید. یافته‌های پژوهش، چارچوبی نظام‌مند مشتمل بر هفت سطح مبانی، رویکردها، راهبردها، سازوکارها، روش‌ها، اجرا و ممیزی طرح توسعه امنیت فرهنگی ارائه نموده است که می‌تواند به متولیان فرهنگی کشور در جهت تقویت سبک زندگی ایرانی - اسلامی و تأمین امنیت فرهنگی کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: امنیت فرهنگی؛ زنجیره تغییر؛ سیستم اجتماعی؛ فرهنگ؛ مدیریت تغییر.

^۱ . استاد بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
(نویسنده مسؤول)
torkzadeh@shirazu.ac.ir

^۲ . دانش‌آموخته دکتری مدیریت آموزشی، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
Zah.Pak@hafez.shirazu.ac.ir

^۳ . کاندیدای دکتری مدیریت آموزشی، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
KowsarKhadem49@gmail.com

مقدمه

سیستم‌های اجتماعی^۱ به دلیل ماهیت پویا و پیچیده‌ای که دارند، همواره با چالش‌های نوپدیدي در حوزه‌های کارکردی، هویتی و حتی ماهوی در عرصه‌های تعاملی درونی، بیرونی و بینابینی^۲ (مرزی) خود مواجه می‌شوند. یکی از چالش‌های کلیدی که در ارتباط مستقیم با کارکرد، هویت و ماهیت سیستم‌های مذکور قرار می‌گیرد، چالش‌های فرهنگی و مرتبط با فرهنگ در سیستم‌های اجتماعی است. فرهنگ به مثابه یک عنصر اساسی، نقشی کلیدی در تعریف و حفظ هویت اجتماعی و تضمین امنیت فرهنگی^۳ و عمومی سیستم در فضاها و کارکردی و تعاملی مربوطه دارد. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، فرهنگ به عنوان یکی از محوریت‌های اساسی ساختاردهی نظام‌های اجتماعی و تأمین و حفظ پایداری آن‌ها مطرح گردیده است (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲؛ بونل و هانت^۴، ۲۰۲۳). اینکه در سایه پیشرفت تکنولوژی و فرایند جهانی شدن و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای، تبادلات میان فرهنگ‌های مختلف تسهیل و تسریع گردیده است، احتمال نفوذ یا تداخلات مخرب و بروز ناهنجاری‌های فرهنگی (مجرمی، ۱۳۹۷) و در نتیجه بروز استحاله‌های فرهنگی به صورت چندلایه و چندگانه همزمان یا ناهمزمان، افزون گردیده است. در این میان، مقوله حیاتی امنیت فرهنگی که نقش کلیدی و جایگاهی اساسی در حفظ هویت ماهوی و کارکردی سیستم اجتماعی (جامعه) و استمرار بقای آن دارد، رخ نموده است و موضوعیت می‌یابد.

امنیت فرهنگی به عنوان یکی از ابعاد ناملموس امنیت ملی^۵ شناخته می‌شود و تهدیدات فرهنگی می‌تواند به شکل پیچیده‌ای امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱). بر

¹. Social systems

². Interstitial

³. Cultural security

⁴. Bonnell, & Hunt

⁵. National Security

همین اساس، تأمین و حفظ یکپارچگی/درستکاری^۱ فرهنگی رأی نهاده‌سازی امنیت فرهنگی جامعه، امری حیاتی است که عدم تحقق آن می‌تواند جامعه را در برابر تهدیدات محیطی منفعل و آسیب‌پذیر سازد (عرفان، ۱۴۰۰). بر همین مبنا در شرایط تهدیدآمیز محیطی، شکل‌گیری و توسعه فرهنگ در لایه‌ها و سطوح مختلف ساختاری و کارکردی باید با دقت و آگاهی کامل انجام شود تا بتواند در برابر تهدیدات مقاومت کند و پایداری نظام اجتماعی را تضمین نماید.

از طرف دیگر دغدغه‌مندی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ایجاد، تأمین و تثبیت فرهنگ و امنیت فرهنگی به کرات در بیانات ایشان ذکر شده است. به زعم ایشان «اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی، فرهنگ عمومی، اخلاق و رفتار اجتماعی، شامل همه این‌ها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسؤولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسؤولیت دارند (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۰۸/۱۶). همچنین تأکید کرده‌اند: «فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که باید به آن بپردازیم» در واقع فرهنگ نه تنها بخشی از هویت ملی و دینی جامعه است، بلکه به نوعی دستگاهی فراگیر و زیربنایی برای تمامی فعالیت‌ها نیز محسوب می‌شود. در همین راستا ایشان به اهمیت عرصه‌ها و محصولات مختلف فرهنگی و شخصیت‌ها و عوامل فرهنگی تأکید نموده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۹۵). معظم‌له به اهمیت استقرار امنیت نیز اشاره کرده‌اند و فرموده‌اند: «استقرار امنیت در سرتاسر کشور باید به نحوی باشد که هیچ نگرانی از هیچ سو برای ملت ما وجود نداشته باشد. امنیت، دغدغه بسیار مهم این ملت است و باید دغدغه بسیار مهم دولت‌های ما و مسئولان ما باشد» همچنین، امنیت را زیرساخت تمامی ابعاد زندگی یک جامعه دانسته‌اند و می‌فرمایند: «امنیت زیرساخت همه ابعاد زندگی یک جامعه است. از مسائل شخصی بگیری، تا مسائل اجتماعی، تا مسائل عمومی، تا مسائل

1. Integrity

نوعی از یکپارچگی ساختاری- کارکردی که منجر به انجام کار درست و به درستی در قلمرو کارکردی مورد نظر شود که از آن به‌عنوان درستکاری تعبیر می‌شود. متقابلاً تحقق چنین حالتی از درستکاری منجر به تقویت یکپارچگی ساختاری - کارکردی سیستم مورد نظر می‌شود.

خارجی». «هر جایی که پیشرفتی حاصل شده است به برکت وجود امنیت بوده است» (بیانات رهبری، ۱۴۰۱).

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، دغدغه‌مندی ایشان، شرایط کنونی و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی، مؤید لزوم تدوین و توسعه‌ی طرحی است که امنیت فرهنگی امت اسلامی را در برابر هجوم فرهنگ بیگانه و تغییرات محیطی و چالش‌های درونی محافظت نماید. چرا که امنیت فرهنگی به دلیل نقش زیربنایی فرهنگ در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و انسجام ملی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مسئولیتی همگانی محسوب می‌شود. بدیهی است تحقق امنیت فرهنگی نیازمند طرح‌ریزی، نظارت، مدیریت و رهبری راهبردی در زمینه حفظ و توسعه‌ی هویت فرهنگی و نهادینه‌سازی مسئولیت همگانی در این زمینه است (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷). متقابلاً در صورت بحران و رنگ‌باختگی هویت فرهنگی، پایه‌های امنیت فرهنگی متزلزل شده است و مؤلفه‌های فرهنگی در معرض تغییرات نامطلوبی قرار می‌گیرند که عواقب ناگواری به همراه خواهد داشت (شرفی‌جم، ۱۳۸۵). به همین جهت، طراحی و توسعه‌ی طرح تغییری مبتنی بر ارزش‌های انقلابی، اعتقادی و ملی، و به طور کلی ارائه‌ی الگویی بومی در جهت پیشرفت الگوی ایرانی - اسلامی و توسعه‌ی مزیت رقابتی در حوزه‌ی امنیت فرهنگی، امری حیاتی و ضروری است که نیازمند رویکردی راهبردی می‌باشد. به‌زعم بویی، جونز، ویور و لی^۱ (۲۰۲۰) کشورهایی که توانسته‌اند سیاست‌های فرهنگی خود را مبتنی بر درک عمیق از پویایی‌های اجتماعی و اتخاذ راهبردهای انعطاف‌پذیر و تطبیقی طراحی نمایند، بیش از سایر کشورها در حفظ امنیت فرهنگی خود موفق بوده‌اند.

در جمع‌بندی آنچه تاکنون گذشت می‌توان چنین استنباط کرد، که امنیت فرهنگی یک مفهوم و مقوله‌ی پربعد، پویا و پیچیده و در عین حال حساس است که نیازمند نگاهی عمیق، گسترده و دقیق در سایه‌ی مدیریت و رهبری راهبردی تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. با این وجود، تا آن‌جا که نگارندگان جستجو کرده‌اند، چارچوب مفهومی و کاربردی پربعدی که به‌صورت همزمان پویایی‌های محیطی - زمینه‌ای و ماهوی و کارکردی مقوله‌ی امنیت فرهنگی و هم‌چگونگی تغییر و تحول‌پذیری و راهبری آن را به‌صورت تحلیلی - تجویزی مورد نظر قرار داده باشد، ارائه نشده است. بر همین

^۱. Bui, Jones, Weaver & Le

مبنا ضرورت توسعه و ارائه چارچوب‌هایی که تمامی جوانب و ابعاد این مقوله حیاتی در بستر پویایی‌های سیستم اجتماعی را مورد نظر قرار دهد، کاملاً محسوس است. بنابراین، این مطالعه بر آن بوده است تا با ارائه چارچوبی تعاملی در زمینه توسعه امنیت فرهنگی با تأکید بر الگوی زنجیره تغییر^۱، گامی مؤثر و مطلوب در جهت پرکردن خلاء مفهومی و کاربردی موجود بردارد.

پیشینه تحقیق

حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» در بررسی موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، تهدیدات فرهنگی مانند «اسلام‌زدایی»، «تهی کردن انقلاب از درون»، «فاسد کردن جوانان و اشاعه فساد سبک زندگی غربی» و «ناکارآمدی برخی از مدیران اجرایی فرهنگی» را شناسایی نموده‌اند. راهکارهایی که دلالت‌های گفتمان ایشان را مشخص می‌کند مشتمل بر «ترویج فرهنگ دینی و تعلیم فضایل اخلاقی»، «داشتن اقتدار و قوی نمودن کشور در عرصه فرهنگی»، «ارائه سبک زندگی ایرانی-اسلامی» و «مدیریت جهادی کارآمد، اجرای صحیح قوانین و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی» برشمرده‌اند.

جعفرپورکلوری و همکاران (۱۴۰۲) ضمن پژوهشی با عنوان «الگوی حفظ امنیت فرهنگی با رویکرد پدافند غیرعامل در ایران اسلامی» مؤلفه‌های امنیت فرهنگی را بر اساس سند چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران شامل الهام بخشی، تعمیق عدالت اجتماعی، استقرار جامعه امن و اخلاقی، تقویت هویت اسلامی و انقلابی، متکی بودن بر ارزش‌های اسلامی، تحکیم سازگاری اجتماعی، صیانت از آزادی‌های مشروع، بازدارندگی همه جانبه و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی برشمرده‌اند و در این زمینه به تهدیداتی در سطوح سه‌گانه انسانی، ملی و راهبردی اشاره نموده‌اند. همچنین با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده به ابعاد هشت‌گانه امنیتی در سند چشم انداز ۲۰ ساله اشاره کرده است که نشان از چندبعدی بودن، نرم‌افزاری بودن، جامعیت و ماهیت کلان و حتی فراکلان امنیت و امنیت فرهنگی دارد.

^۱. The Chain of Change

کریمی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تبیین سیر تحول مفهوم امنیت و پیامد بین‌المللی آن» روشن نمودند که در جهان امروز مفهوم نوین امنیت شامل مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها، سازمان‌های ملی و فراملی است که در کنار دولت‌ها به نقش‌آفرینی در عرصه‌ی جهانی می‌پردازند و تبلور آن را می‌توان در شکل‌گیری مفاهیم جدیدی از جمله امنیت انسانی، امنیت فرهنگی، امنیت جمعی و... مشاهده نمود.

رحمانی‌ساعد و شفیعی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی» به این نتایج دست یافتند که مفهوم امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی دارای رویکردی ترکیبی (حفظ‌محور و بسط‌محور)، فراملی، به‌عنوان زیربنای امنیت و دارای نگاه توأمان به ارزش‌های ملی و اسلامی است، همچنین هویت ایرانی-اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امنیت فرهنگی و استقلال فرهنگی به‌عنوان مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی مطرح هستند.

پورسعید (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «نسبت مفهومی فرهنگ و امنیت: جستاری در چیستی امنیت فرهنگی» در تبیین نظری مفهوم امنیت فرهنگی بیان نموده است که عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده و مقوم امنیت، عمدتاً فرهنگی هستند. از جمله وجوه ذهنی، زبانی، معنایی، گفتمانی، تصویری، ادراکی، احساسی، روانی و اخلاقی امنیت که بدون آن‌ها، تکوین، تقویم و تداوم امنیت ناممکن است.

زارع و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش «طراحی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار» نشان دادند که عوامل ملی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی در طراحی الگوی امنیت فرهنگی پایدار تأثیرگذار است.

سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «امنیت فرهنگی از منظر آیت‌ا... خامنه‌ای» عوامل تقویت‌کننده امنیت فرهنگی از منظر آیت‌ا... خامنه‌ای با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی که دارای ظرفیت بالقوه‌ای از قدرت نرم می‌باشد را چنین برشمردند: تعلیم و تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی و به عوامل تهدیدکننده از جمله؛ وابستگی فرهنگی، خود باختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی اشاره کرده‌اند.

شفیعی و مولایی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «نظریه پردازی؛ الگوی راهبردی دین در تولید امنیت فرهنگی» نشان دادند که فرهنگ، وجه ممیزه و مؤلفه اصلی قدرت ملی در عصر جدید بوده است و اقتدار فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اصول و مبانی فرهنگ اسلام که در واقع جهان‌بینی انقلاب اسلامی بود، می‌باشد.

دشتی و باقرنیا (۱۳۹۹)، در پژوهش «بازخوانی مسأله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر بینش، نگرش و کنش مقام معظم رهبری)» مشخص نمودند که اغلب نابسامانی‌ها، معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، معلول اختلال و هرج مرج موجود در قرارگاه فرهنگی بوده است؛ از این‌رو با تکیه بر مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی اسلامی، تزریق امنیت فرهنگی و برون‌رفت از وضعیت موجود با اخلاق‌محوری، معنویت‌گستری، عقلانیت، در قالب کار جهادی، خدمت‌محوری، سبک زندگی ایرانی - اسلامی، تمدن نوین اسلامی، آتش به اختیار بودن همه اقشار جامعه امکان‌پذیر است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت شکل‌گیری و توسعه امنیت فرهنگی در تمامی سطوح و ابعاد، وام‌دار عوامل و شرایط بسیاری است؛ عواملی که با تغییر در ساحات آن، تعریف امنیت، کارکردها و پیامدهای آن دگرگون شده و طیف گسترده‌ای از عملکردها را در بر خواهد داشت. در حقیقت، تغییر در عوامل ریشه‌ای و شکل‌دهنده، از جمله مبانی، اصول، غایت‌ها، اهداف، سازوکارها، روش‌ها و فرایندها، نوع متفاوتی از مکاتب و سیستم‌های امنیت فرهنگی را سامان خواهد داد.

مبانی نظری

فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مشترک، یکی از مهم‌ترین ارکان شکل‌دهی هویت و شاخص رشدیافتگی جوامع محسوب می‌شود. در حقیقت ساخت و نگهداشت فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های متعالی، از اهم دغدغه‌های حکمرانان است؛ چرا که سلامت، آرامش و رفاه زیست انسان‌ها، در گرو برخورداری جامعه از فرهنگ مطلوب و توسعه یافته یا به بیان بهتر امنیت فرهنگی است (میلر^۱، ۲۰۲۵).

¹. Miller

در یک نگاه کلی، فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مصنوعات مشترک موجود در سیستم‌های اجتماعی اشاره دارد (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲). بر همین مبنا فرهنگ را می‌توان همواره به عنوان محوریت و شاکله ساختاردهی و سازماندهی نظام اجتماعی مطرح نمود (قربان‌پور دشتکی، ۱۳۹۶؛ بونل و هانت، ۲۰۲۳). در همین راستا پورسعید (۱۴۰۱)، فرهنگ را به‌عنوان پایه و یکی از ارکان اصلی شکل‌دهی امنیت در جامعه معرفی کرده است و اشاره می‌نماید که در عصر متحول کنونی، مفهوم امنیت فرهنگی، بر درک گسترده‌تر و جامع‌تری از امنیت در تمامی ابعاد سیستم‌های اجتماعی تأکید دارد. این مفهوم بر تلاش‌های عمده برای حفظ و ترویج میراث فرهنگی و هویت ملی در محیطی حمایتی متمرکز است. کابالرو-آنتونی^۱ (۲۰۱۶)، در توصیف امنیت فرهنگی، آن را جنبه "نرم" امنیت معرفی نموده است که فراتر از نبود تهدیدها است و شامل اقدامات پیشگیرانه برای ایجاد محیط‌هایی است که در آن فرهنگ‌ها می‌توانند شکوفا شوند، رشد کنند و توسعه یابند. آنهایر^۲ (۲۰۲۰) تأکید می‌کند که امنیت فرهنگی درباره یک تعهد جمعی برای حفاظت و حفظ آثار فرهنگی، میراث، باورهای معنوی، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی است. اوکالا-آیایو^۳ (۲۰۰۲) از امنیت فرهنگی به عنوان محیطی که در آن افراد احساس امنیت می‌کنند و از هویت، فرهنگ و جامعه خود قدرت می‌گیرند یاد کرده و امنیت فرهنگی را تعهدی برای تقویت و قوام بیشتر عزم جمعی جهت حفاظت آثار هنری، میراث فرهنگی، معنویت سنتی و نظام‌های اعتقادی و همچنین ارزش‌ها و شیوه‌های عمومی زندگی برشمرده است. احمدی و همکاران (۱۳۹۴)، نیز امنیت فرهنگی را به عنوان یک نظام فرهنگ‌محور که در آن فرهنگ جامعه، انعکاسی از جهت‌گیری‌ها و باورهای سیاسی و میزان تعهد به مبانی اعتقادی نظام و حاکمیت به شمار آمده است و در تداوم همگرایی جامعه و سیستم سیاسی اثرگذار است، معرفی نموده است.

¹. Caballero-Anthony

². Anheier

³. Ocholla-Ayayo

برخی پژوهشگران امنیت فرهنگی را در یک فضای سیستمی اجتماعی، در ابعاد مفهومی، ساختاری و عملکردی بررسی نموده‌اند (هان^۱، ۲۰۱۴؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ترک‌زاده، ۱۳۸۸؛ رحمانی ساعد و شفیعی، ۱۴۰۰). در بُعد مفهومی، فهم ضرورت، چیستی و چرایی امنیت فرهنگی اهمیت دارد. در حقیقت این بُعد به تعریف، تفسیر و مفهوم‌پردازی امنیت فرهنگی و ارتباط آن با سایر ابعاد امنیت ملی و فرهنگی می‌پردازد (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲). در بعد ساختاری، ساختارهای نهادی، سازمانی و سیاست‌گذاری در حوزه امنیت فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است و در بعد عملکردی نیز به سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات عملی در راستای توسعه امنیت فرهنگی می‌پردازد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۲). بررسی ادبیات نظری مرتبط، روشن می‌سازد که پدیده امنیت فرهنگی به عنوان پدیده‌ای پیچیده، چندوجهی، زمینه‌محور و متأثر از تغییرات محیطی، از جنبه‌های مختلف شایسته بررسی می‌باشد. بر این اساس شناسایی عوامل مخرب اثرگذار بر امنیت فرهنگی به عنوان عوامل تهدیدکننده و از طرف دیگر عوامل و فرایندهای توسعه و تحکیم امنیت فرهنگی جامعه در بستر محیط تعاملی موضوعی حائز اهمیت است. همچنین تأکید مبانی نظری پژوهش بر بُعد ساختاری و عملکردی امنیت فرهنگی، نقش پررنگ سیاست‌گذاری و راهبری در جهت توسعه امنیت فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهد. از این‌رو، بررسی و تعمق در ادبیات نظری مرتبط، ضرورت انجام پژوهشی در رابطه با شناسایی عوامل مؤثر بر پدیده امنیت فرهنگی و فرایندهای راهبری نظام‌مند توسعه امنیت فرهنگی در محیط تعاملی را بیش از پیش روشن نمود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی بوده است و با رویکرد کیفی و روش تحقیق فلسفی از نوع قیاسی صورت پذیرفته است. روش فلسفی با توجه به ماهیت و تمرکزی که بر تجزیه و تحلیل مفاهیم و امور مربوطه دارد، کاربرد فعالی در زمینه‌های علوم انسانی دارد (سرمد و همکاران، ۱۴۰۲). در واقع روش تحقیق فلسفی، تلاش اندیشه‌ورزانه پژوهشگر جهت شناسایی و بازکشفی

1. Han

اجزا و روابط منطقی پدیده و بازنمایی^۱ آن در هیئتی جدید، در زمینه‌ی موضوعی است که مبتنی بر یک پارادایم، رویکرد یا چارچوب مفهومی صورت می‌پذیرد (ترک‌زاده و پاکباز، ۱۴۰۳). در پژوهش حاضر، این مهم با رویکرد سیستم اجتماعی و مبتنی بر چارچوب تحلیلی زنجیره‌ی تغییر، صورت پذیرفته است. در همین راستا، تحلیل امنیت فرهنگی در بستر تعاملی توسعه‌ی امنیت فرهنگی، با استفاده‌ی مرکب از رویکردهای تحلیلی بعدشناسی^۲، سلسله‌مراتبی^۳ و تعاملی^۴ در چارچوب کلی الگوی تحلیل نقش (وودل و وینستلی^۵، ۱۹۹۸) با نگاه ساختار-کارکردگرایانه^۶ صورت پذیرفته است.

برای گردآوری داده‌ها از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای استفاده شده است. تحلیل و پردازش داده‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل تأملی صورت پذیرفته است. به‌زعم گال و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل تأملی، پژوهشگر به کمک نیروی تشخیص خود برای به تصویر کشیدن یا ارزشیابی پدیده‌ی مورد پژوهش اقدام می‌کند. در این راستا پژوهشگر داده‌ها یا گزاره‌های جمع‌آوری شده را چندین بار با دقت بررسی می‌کند و هر چه این فرایند ادامه پیدا کند، احتمال اینکه ویژگی‌های برجسته‌ی پدیده، بیشتر آشکار و بازنمایی شود، وجود دارد. بر این مبنا تحلیل مذکور در یک فضای شناختی-برآیندی^۷، برآمده از ترکیب تعاملی پویای استنادات، استدلال‌ها، استنباط‌ها و استنتاج‌ها صورت

^۱. Reflection

^۲. Dimensional Analysis

^۳. Hierarchical Analysis

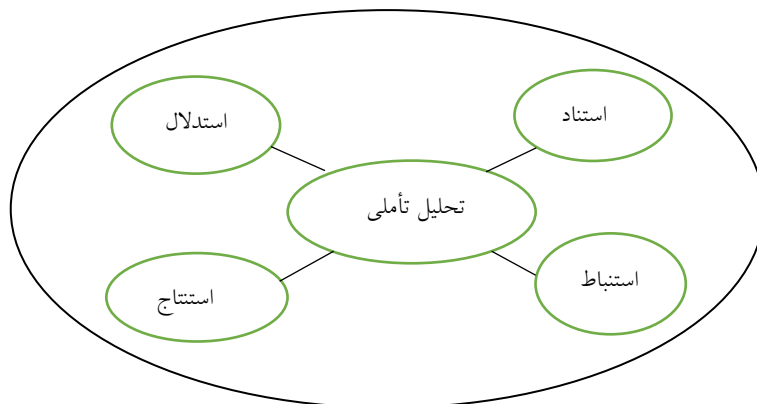
^۴. Interactive Analysis

^۵. Woodall & Winstanley

^۶. Structural-Functionalist

^۷. Consequention Cognition

می‌پذیرد. ملاک اعتبار این نوع تحلیل، اعتبارپذیری^۱، استدلال‌پذیری^۲ و قابلیت تبیین^۳ و بازنمایی
نتایج در ارتباط با موضوع مورد نظر می‌باشد



نموار شماره یک- فضای شناختی- برآیندی تحلیل تأمل

لازم به ذکر است که قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش با استفاده از تکنیک‌های اعتبارپذیری و اطمینان‌پذیری^۴ احراز گردید. قابلیت اعتبارپذیری از طریق همسوسازی پژوهشگر^۵ افزایش یافت؛ به این معنی که داده‌های پژوهش توسط پژوهشگران مختلف همکار مطالعه، به طور مستقل از هم تحلیل شده است و سپس با مقایسه نتایج تحلیل و جلسات هم‌اندیشی، بر روی یافته‌های نهایی پژوهش توافق به عمل آمده است. افزایش قابلیت اعتماد نیز با دقت در جریان جمع‌آوری اطلاعات و همچنین گزارش شفاف فرایند دستیابی به داده‌های پژوهش، مورد توجه قرار گرفت (لینکلن و گوبا^۶، ۱۹۸۵).

^۱. Credibility

^۲. Reasenability

^۳. Explanative Compability

^۴. Dependability

^۵. Investigator triangulation

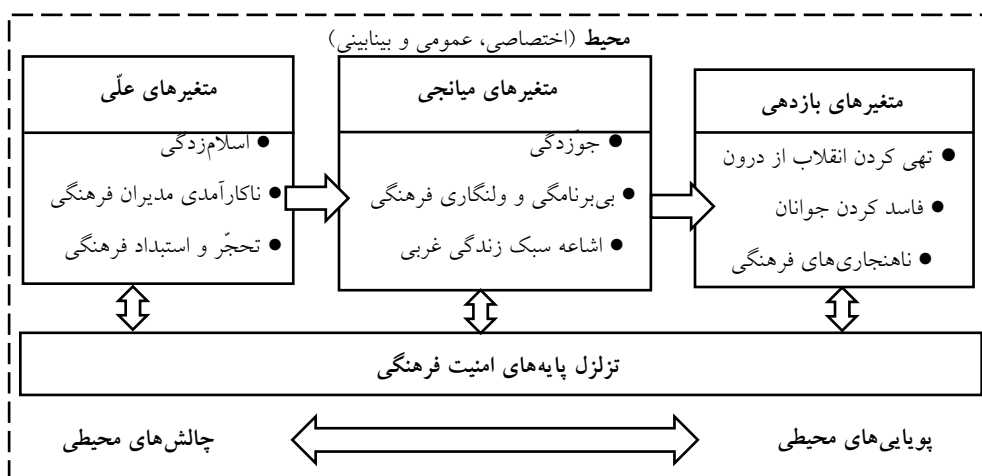
^۶. Lincoln & Guba

یافته‌های تحقیق

با عنایت به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ا... خامنه‌ای (بیانات رهبری، ۱۳۸۴: ۱۳۸۶، ۱۳۹۵: ۱۴۰۱) و دیدگاه پژوهشگران (پورسعید، ۱۴۰۱؛ جعفرپورکلپوری و همکاران، ۱۴۰۲: بخشی، ۱۳۹۵)، در توجه به دغدغه‌مندی مقوله امنیت فرهنگی می‌توان چنین تحلیل و استنباط کرد که تزلزل امنیت فرهنگی، فرآیندی پدیداری و مرکب از سطوح و عوامل مختلف است که اگر شناخت و آگاهی و اقدام بصیرانه نسبت به آن صورت نپذیرد عواقب ناگواری را به همراه خواهد داشت. در یک دسته‌بندی فرآیندی با الهام از الگوی سه‌بعدی متغیرهای؛ علی، میانجی، بازدهی (هرسی، بلانچارد و جانسون^۱، ۲۰۱۵)، نقش و تعاملات فرآیندی و همزمان عوامل تزلزل پایه‌های امنیت فرهنگی را به صورت شکل شماره (۲) نشان داد. بدیهی است که این مهم در فضای پویا و متحول محیطی و هم در بستر چالش‌های محیطی اختصاصی، عمومی و بینابینی عرصه فرهنگی رخ خواهد داد. در شکل شماره (۲) ملاحظه می‌شود که تزلزل پایه‌های امنیت فرهنگی به صورت پدیداری و در حالتی از کنش واگشتی مستمر از نوع برهم‌کنش هم‌زمان (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲) در تعامل با زنجیره سه‌بعدی متغیرهای علی، میانجی و بازدهی و عوامل مربوط به آن‌ها و تحت تأثیر تعامل مستمر پویایی‌های محیطی و چالش‌های محیطی، در بستر کلی^۲ محیط (اختصاصی - عمومی - بینابینی) متحول، حادث می‌شود.

¹. Hersey, Blanchard & Johnson

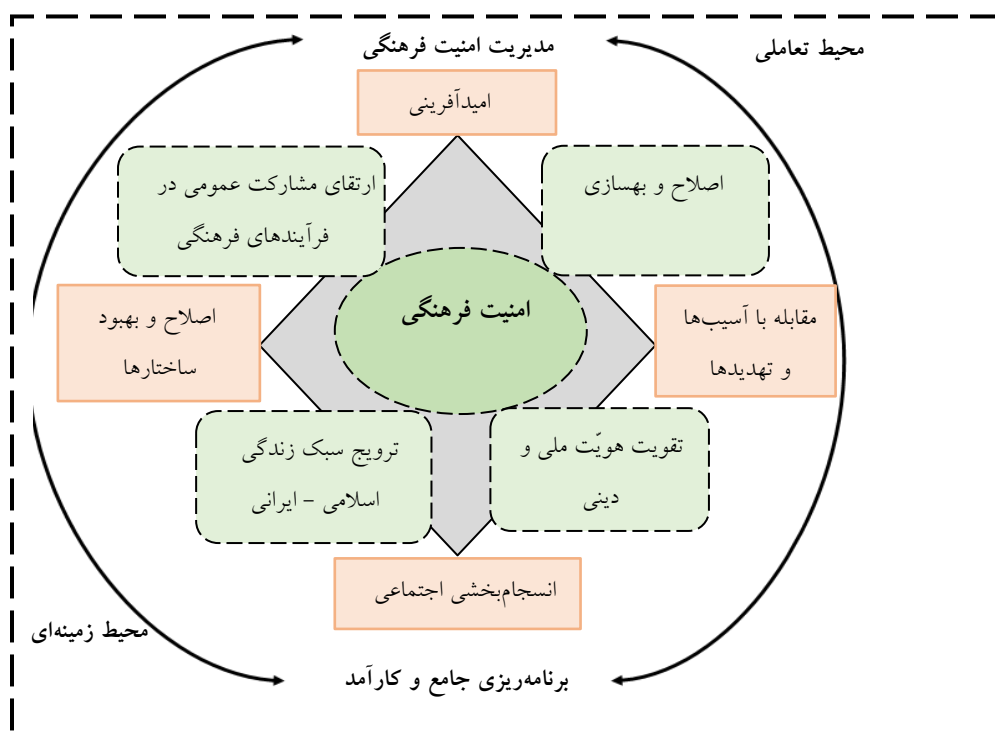
². Wholistic



نمودار شماره دو-الگوی نقش و تعاملات فرآیندی و همزمان عوامل تزلزل پایه‌های امنیت فرهنگی

با عنایت به اینکه در محیط راهبردی، امنیت فرهنگی به معنای حفظ و تقویت هویت ملی، باورها، ارزش‌ها و فرهنگ یک جامعه در برابر آسیب‌های داخلی و تهدیدهای خارجی است، بنابراین، زیرمجموعه‌ای از حوزه امنیت ملی محسوب می‌شود. از طرفی از آنجا که فرهنگ به عنوان عامل معرف و برپادارنده هویت ملی و نیروی محرکه همبستگی اجتماعی عمل می‌کند (اصلائی و مالکی گمچی و اصلائی، ۱۳۹۴)، هرگونه تزلزل یا اختلالی در آن می‌تواند به تهدیدات امنیتی و اجتماعی منجر گردد.

بر همین اساس، توسعه امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، نیازمند یک طرح کارآمد و برنامه‌ریزی جامع است که هم از بیرون با تهدیدهای خارجی مقابله کند و هم از درون به اصلاح و بهبود و تقویت ساختارهای فرهنگی بپردازد. برآیند این مهم طبق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی به مثابه پایه و اساس امنیت فرهنگی است که با انسجام‌بخشی و امیدآفرینی سبب تقویت هویت ملی و دینی می‌گردد. از سوی دیگر، اصلاح و بهسازی مدیریت فرهنگی و ارتقاء مشارکت عمومی در فرآیندهای فرهنگی به سهم خود نقشی اثرگذار در توسعه امنیت فرهنگی کشور خواهند داشت. با توجه به آنچه بیان گشت، در شکل شماره (۳) چارچوبی تعاملی جهت دستیابی به امنیت فرهنگی ارائه گردیده است.



نمودار شماره سه - چارچوب تعاملی امنیت فرهنگی

الگوی زنجیره تغییر: چارچوبی برای طراحی و اقدام در زمینه توسعه امنیت فرهنگی

در دنیای پویا و پیچیده کنونی، سیستم‌های اجتماعی به منظور تحقق اهداف و مطلوبیت‌ها و تأمین و تضمین پویایی و پایداری مستمر خود ملزم به سازواری مستمر با شرایط متغیر، نوپدید و پیچیده محیطی هستند. سازواری به توانمندی سیستم در تغییر هم‌زمان رفتار خود و سایر عناصر محیطی اشاره دارد (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲)، در نتیجه ایجاد^۱ و فرآوری^۲ متناسب تغییرات مناسب، مهم‌ترین عامل در تداوم حیات سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی به حساب می‌آید (ترک‌زاده و عبدشریفی، ۱۳۹۵). در این میان، مدل‌های پویا برای تحول سازمانی و به عبارتی در کمک به

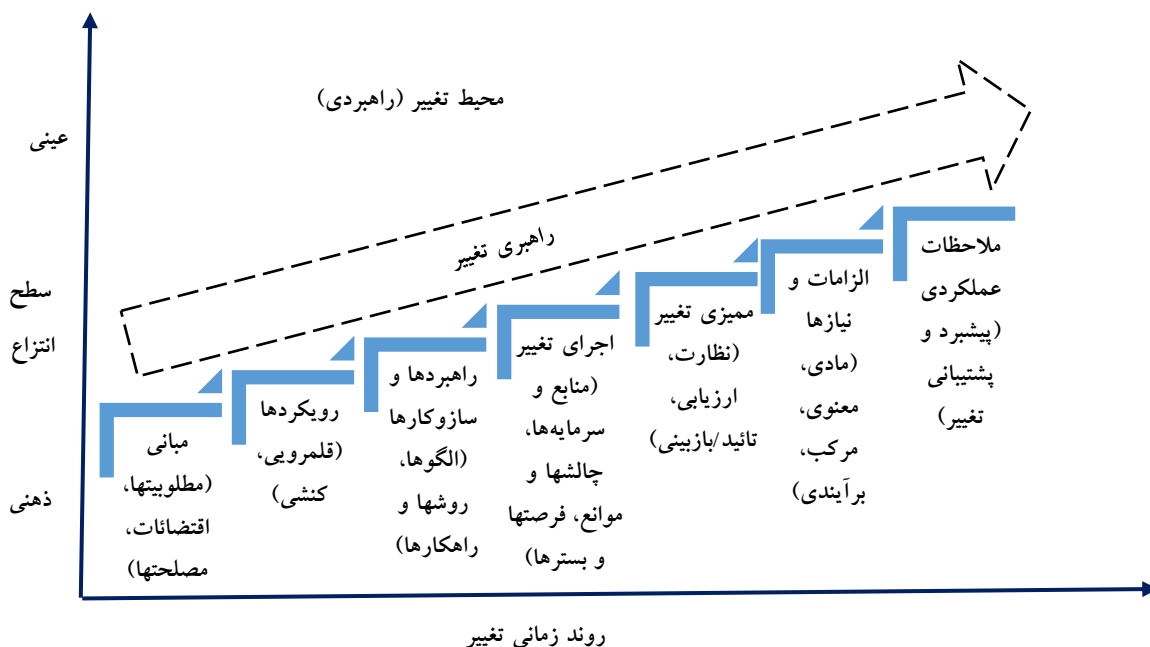
^۱. Creation

^۲. Processing

سیستم‌های اجتماعی برای عبور از پیچیدگی‌های تغییر و دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز بسیار مفید هستند. آن‌ها چارچوبی ارائه می‌دهند که فراتر از رویکردهای سنتی و خطی برای مدیریت تغییر است. بنابراین، نیازمند ماهیتی پویا با توجه به پویایی‌های محیطی هستند و همزمان نیاز به انعطاف-پذیری، سازواری و بهبود مستمر با توجه به اقتضائات دارند (میزراک^۱، ۲۰۲۴). در همین راستا، اهم وظایف رهبران تغییر را می‌توان مشتمل بر ترسیم چشم‌انداز، شناخت اقتضائات و شرایط محیطی، تعیین مطلوبیت‌ها و تشخیص مصلحت‌ها، سازواری و هدایت حرکت سیستم در مسیر متحول و همچنین ارائه مستمر اطلاعات به افراد سیستم جهت روشنگری، انگیزش، مشارکت و توسعه تعهد و تقویت اراده جمعی و در نهایت مدیریت محیط تعاملی برشمرد. چنین سیر تغییر هدفمندی، مستلزم زنجیره‌ای از اقدامات اساسی در جهت تصریح مسیر تغییر و پیشبرد آن متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی، مطلوبیت‌های مورد نظر و مصلحت‌های ایجابی مرتبط با تغییر و سایر مسائل و موارد مربوطه است که از آن در یک ترتیب منطقی و ترکیب سیستمی به عنوان "زنجیره تغییر"^۲ یاد می‌شود (ترک‌زاده و پاکباز، ۱۴۰۳). در ادامه زنجیره مذکور در موضوع توسعه امنیت فرهنگی به تفصیل بیان شده است.

1. Mizrak

2. Chain of Change



نمودار شماره چهار- زنجیة تغییر: روند سیستمی پیشبرد تغییر در سیستم اجتماعی

(ترکزاده و پاکباز، ۱۴۰۳، با تغییر و تصرف)

الف) مبانی تغییر

پرداختن به توسعه امنیت فرهنگی به مثابه یک طرح تغییر در سیستم اجتماعی در گام نخست مستلزم شناسایی، تعریف و تبیین مبانی تغییر شامل مطلوبیت‌ها^۱، اقتضائات^۲ و مصلحت‌ها^۳ در ارتباط با شرایط و زمینه‌های تغییر و پویایی‌های مربوطه در سیستم‌های اجتماعی است. مطلوبیت‌ها در امنیت فرهنگی به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌هایی اشاره دارند که کشور یا به‌طور کلی امت اسلامی به دنبال دستیابی به آن‌ها است. این موارد می‌توانند مشتمل بر اموری از قبیل حفظ هویت فرهنگی، تقویت ارزش‌های ملی یا دینی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ‌های مخرب بیگانگان (احمدی و

^۱. Desirabilities

^۲. Continencies

^۳. Exedencies

همکاران، ۱۳۹۴) و یا توسعه و استقرار الگوهای مورد نظر از فرهنگ یا سبک زندگی باشند. در طرح توسعه امنیت فرهنگی، اقتضائات به الزامات و ایجابات ناشی شرایط و عوامل محیطی و پویایی‌هایی اشاره دارند که بر سیاست‌ها و استراتژی‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند. این عوامل شامل شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، جغرافیایی، جمعیتی، انسانی و اعتقادی است که می‌تواند نحوه مواجهه با امور، مسایل و چالش‌های فرهنگی را تحت تأثیر، تعیین‌کننده یا قابل ملاحظه‌ای قرار دهد. در این میان مصلحت‌ها به ملاحظات اخلاقی، اجتماعی و عملیاتی (مقتدائی و ازغندی، ۱۳۹۵) و سیاسی و راهبردی و راه‌کنشی (تاکتیکی) اشاره دارند که باید در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه امنیت فرهنگی مورد توجه قرار گیرند. این ملاحظات تضمین می‌کنند که سیاست‌های فرهنگی نه تنها از نظر راهبردی مناسب هستند، بلکه از نظر اجتماعی و اخلاقی و سیاسی نیز پذیرفته شده‌اند. همچنین، از نظر راهبردی و راه‌کنشی نیز مغایرت یا ضدیتی ندارند.

با استنباط از برنامه‌ها و راهبردهای ملی، سند نقشه مهندسی فرهنگی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴، به طور کلی مصلحت‌ها در جلوگیری از نقض حقوق فرهنگی و حفظ تنوع فرهنگی کمک می‌نماید و تضمین می‌کنند که سیاست‌های فرهنگی در بلندمدت به پایداری اجتماعی منجر شوند (زارع و همکاران، ۱۳۹۹)؛ و هرگونه سیاست یا اقدام فرهنگی که منجر به تضعیف روابط اجتماعی یا ایجاد تنش‌های فرهنگی (اسماعیلی اردکانی، ۱۴۰۱) شود و یا باعث بروز چالش‌های سیاسی و راهبردی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی گردد باید مورد بررسی، بازبینی و تصمیم‌گیری قرار گیرد تا بتواند واجد جنبه‌های لازم عملیاتی بودن باشد. کاملاً پذیرفتنی است که برآیند مطلوبیت‌ها، اقتضائات و مصلحت‌ها، تعیین‌کننده جهت‌گیری سیستم در فرایند تغییر است و نوع جهت‌گیری مبتنی بر آن، رویکرد تغییر و مسیر کلی تغییر در سیستم اجتماعی را مشخص نمایند. در همین راستا، رویکردهای تغییر به شیوه‌ها و مسیرهای مواجه شدن با تغییر و تحولات سیستم اجتماعی و مسائل منتج از آن اشاره دارد (ترک‌زاده و پاکباز، ۱۴۰۳).

ب) رویکردهای تغییر

رویکردهای تغییر به مثابه جهت‌نما و مسیر یاب تغییرات فرهنگی در سیستم‌های اجتماعی ایفای نقش می‌نمایند؛ از این حیث حائز اهمیت هستند. بر همین مبنا می‌توان گفت آن‌ها قلمروهای

فعالیت و نوع اقدامات مدیریت تغییر و نیز پیامدهای ناشی از اعمال تغییر در مسیر پایداری را برای سیستم روشن می‌سازند (نارویی و همکاران، ۱۴۰۲). در این بین آنچه تضمین‌کننده تشخیص و گزینش صحیح رویکرد یا رویکردهای تغییر در سیستم اجتماعی می‌باشد، اتخاذ صحیح مطلوبیت‌ها، شناخت درست اقتضائات و تشخیص مناسب و متناسب مصلحت‌ها است که می‌تواند به نوعی ضامن تشخیص، جهت‌گیری و اقدام مناسب و موفقیت در مسیر طرح‌ریزی و پیشبرد تغییر برای پایداری سیستم اجتماعی باشد (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲؛ ترک‌زاده و پاکباز، ۱۴۰۳).

بدیهی است که هر رویکردی به تغییر، با توجه به زاویه دید و مسیر خاص خود، چارچوب‌ها و شیوه‌های متفاوتی را برای بررسی و مدیریت تغییر ارائه می‌نماید. به‌طور کلی می‌توان برخی چارچوب‌های رویکردی به تغییر را در ذیل دو دسته کلی رویکردهای قلمرویی (سطح و گستره‌ی زمانی- مکانی) و رویکردهای کنشی (الگوی کنش) قرار داد (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲). در راستای اتخاذ رویکرد قلمرویی^۱ تغییر در جهت توسعه امنیت فرهنگی کشور، با عنایت به وضعیت موجود و آینده مطلوب (ایران قوی) از یک‌سو و تلاش‌های مخرب دشمن و عوامل نفوذی داخلی و خارجی از سوی دیگر، اتخاذ رویکردهای مبتنی بر استثنا^۲ (رفع یا دفع نواقص موجود) و فراگیر^۳ (هرگونه تغییری در راستای بهسازی وضعیت و توانمندسازی سیستم در جهت ایفای نقش بهتر در محیط تعاملی)، با رویکردهای حال و آینده‌محور ضرورت می‌یابد. از طرفی ماهیت فرهنگ به مثابه یک سیستم اجتماعی و یک نظام شناختی-رفتاری فراگیر در سطح جامعه و گستره محیط، توجه، طرح و اقدام در قلمروهای مفهومی، ساختاری، عملکردی، محیطی و رهبری حوزه فرهنگ را ایجاب می‌نماید.

¹. Territorial approach

². Exception-based change status

³. Inclusive change status

از منظر رویکردهای کنشی^۱، با توجه به شرایط و پیچیدگی‌های مرتبط با امنیت فرهنگی به عنوان موضوع تغییر، سیستم ممکن است چندین رویکرد را به صورت ترکیبی (همزمان یا متوالی) در نظر بگیرد. بر همین اساس در این مبحث سه رویکرد برکنشی^۲؛ همکنشی^۳ و برهم‌کنشی^۴ در حالت‌های کنشی^۵، فراکنشی^۶ و واکنشی^۷ می‌تواند در دستور کار عاملان تغییر قرار گیرد. لازم به ذکر است رویکردهای مذکور بسته به شرایط و مقاضیات موقعیتی و راهبردهای کنش اتخاذ شده می‌توانند در یک یا ترکیبی از حالت‌های کنش فراکنشی (پیش‌دستانه)، کنشی (فعال) و واکنشی (پاسخ پس از وقوع)، در عرصه عمل تحقق یابند (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲).

قابل ذکر است که در رویکرد برکنشی به جای واکنش منفعلانه یا پیش‌نگرانه، به تعامل مستمر و پویای بین بخش‌های مختلف جامعه، نهادها، عرصه‌ها و مخاطبان فرهنگی توجه می‌شود. رویکرد برکنشی بر پایه مشارکت، گفت‌وگو و بازخورد متقابل مداوم استوار است و تلاش می‌کند تا از طریق شبکه‌ای از ارتباطات و تعاملات دوطرفه (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲؛ سنتامارائی^۸، ۲۰۱۸) امنیت فرهنگی را تضمین کند. به عبارت دیگر، این الگو به دنبال هم‌افزایی بین بخش‌های مختلف فرهنگی جامعه برای مقابله با تهدیدات و تقویت فرصت‌های فرهنگی است. الگوی همکنشی در طرح تغییر توسعه امنیت فرهنگی به دنبال هم‌افزایی و اشتراک منابع، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های راهبردی و مشارکت همگانی برای رسیدن به اهداف مشترک در سیستم اجتماعی است (ترک‌زاده و راضی،

¹. Action approach

². Interactive

³. Co-active

⁴. Inter Co-active

⁵. Active

⁶. Proactive

⁷. Reactive

⁸. Senthamarai

۱۴۰۲؛ عباس و همکاران^۱، ۲۰۲۵). بر همین اساس، در طرح توسعه امنیت فرهنگی، با بهره‌گیری از رویکرد همکنشی بر همکاری فعال و مشارکت هم‌زمان بازیگران مختلف مؤثر در قلمرو موضوع، از جمله دولت، نهادهای مدنی، مردم، رسانه‌ها و برگزیدگان فرهنگی تأکید می‌نماید، بنابراین، می‌تواند در این طرح قابل کاربرد و مفید باشد.

در رویکرد برهم‌کنشی در طرح تغییر سیستم‌های اجتماعی، وضعیت به گونه‌ای است که حالت‌های متغیر و متحولی از تأثیرات و تأثرات مستقیم و غیرمستقیم چندگانه و چندلایه‌ای در سیستم برقرار است و از این حیث، سیستم اجتماعی به مثابه یک کلیت در شرایط پوشش تحولی قرار دارد (ترکزاده و راضی، ۱۴۰۲). با عنایت به ماهیت رویکرد برهم‌کنشی در طرح توسعه امنیت فرهنگی، تمرکز بر ایجاد، توسعه و یا بهره‌گیری از هماهنگی‌ها و همکاری‌های چندلایه و چندگانه در جریانی از شکل‌گیری و تحول مستمر مناطق فعالیت^۲ در قلمروهای تعاملی و زمینه‌ای مرتبط با موضوع توسعه امنیت فرهنگی و یا مؤثر بر آن است که در آن فضا نه تنها نهادهای داخلی، بلکه بازیگران و عوامل فراملی و منطقه‌ای نیز می‌توانند وارد تعاملات و هم‌افزایی‌های چندلایه و چندگانه شوند. در این حالت تلاش می‌شود تا با ایجاد و یا توسعه یک زیست‌بوم برهم‌کنشی^۳ گسترده و پویا، از همه فرصت‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود استفاده کند و از طریق هم‌افزایی‌های اقتضایی، وضعیتی و موقعیتی، انسجام و پایداری فرهنگی را تأمین و تضمین نماید و به ارمغان آورد.

ج) راهبردها، سازوکارها و روش‌ها

در ادامه زنجیره تغییر، لازم است که راهبردها، روش‌ها و راهکارهای عملیاتی تغییر، جهت تنظیم رابطه یا اقدام سیستم در بستر تعامل با محیط و در راستای ملاحظه مبانی اساسی تغییر و تحقق مطلوبیت‌های مورد نظر، تدوین و اتخاذ گردید و چارچوب کلی عملیات تغییر تعیین گردد (ترکزاده و پاکباز، ۱۴۰۳). طراحی راهبردها و به تبع آن سازوکارهای عملیاتی کارآمد، متضمن توجه

¹. Abass et al

². Activity Zone

³. Inter co-active ecosystem

به این واقعیت است که امنیت فرهنگی به عنوان یک حوزه گسترده و پرحاشیه، دربرگیرنده منظومه‌ای از روابط، تعاملات و اقداماتی در سطوح خرد، کلان و فراکلان جامعه پیرامون است که به‌شکلی پویا بر آن‌ها تأثیر و تأثر متقابل دارد (برات‌لو، ۱۳۹۱). در این مرحله از زنجیره، تغییر راهبردها و سازوکارهای مرتبط با آن جهت دستیابی به مطلوبیت‌های (اهداف و ارزش‌ها) تغییر شناسایی و طراحی می‌گردند. بر این اساس و با تمرکز بر تحقق هدف کلان توسعه امنیت فرهنگی در کشور لازم است که در وهله نخست در تناسب با مبانی و رویکردهای تغییر مورد نظر، راهبردهای مناسب، مؤثر و عمل‌پذیر طراحی و اتخاذ شوند و در آن راستا سازوکارهای اثربخش در جهت تحقق عملی راهبردها در دستور قرار گیرد. راهبردها و سازوکارها رابطه‌ای دوسویه و عمیقی با یکدیگر دارند. به بیان بهتر اگر راهبردها به شکل بهینه طراحی گردند، اما سازوکارهای اجرایی ضعیف باشند، راهبردها با شکست مواجه می‌گردند و از سوی دیگر سازوکارهای قوی و کارآمد می‌توانند اجرای راهبردها را تسهیل و اثربخش نمایند (دی واسکانسلوس، گومز، چارپرو، مانیکوبا، بورینی و سیلو^۱، ۲۰۲۵).

با در نظر گرفتن اهمیت راهبردها و سازوکارهای اثربخش در تحقق توسعه امنیت فرهنگی کشور و نیز توجه به تنوع فرهنگی جامعه ایران به مثابه یک کلان‌سیستم اجتماعی، شایسته است این بخش از فرایند تدوین زنجیره تغییر با نگاهی هوشمندانه و کل‌نگر تدوین گردد. یافته‌های پژوهش حاضر با در نظر گرفتن تعدد و تنوع نهادها و مؤسسات متولی فرهنگ در جامعه و به نوعی عدم توفیق مطلوب آن‌ها از سویی و نیز حضور گسترده و مؤثر عوامل بیرونی در فضاهای مختلف رسانه‌ای و شبکه‌ای، به عنوان بازیگران اصلی در زیست‌بوم فرهنگی کشور، راهبردهایی مبتنی بر ارتقاء توان پاسخگویی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی کشور از ابعاد مفهومی، ساختاری و عملکردی؛ کارآمدسازی ساختاری-کارکردی نهادها و مؤسسات متولی فرهنگ و بازتعریف نقش‌ها و مأموریت‌ها، ارتقاء سطح کنشگری وضعیتی آن‌ها در یک تعامل کارآمد (منسجم و اثربخش)؛ توسعه الگویی مناسب از پاسخگویی متمرکز و توزیع‌شده آن‌ها و نیز ارتقای سلامت سیستمی فرهنگی ملی اسلامی به طرق مقتضی از جمله انسجام، اثربخشی، پاسخگویی و کیفیت سیستم

1. de Vasconcelos, Gomes, Chaparro, Maniçoba, Borini, & Silva

رهبری فرهنگی کشور در سطوح و حوزه‌های مختلف را مورد توجه قرار داده است. سازوکارهای مقتضی جهت اجرایی نمودن راهبردهای تغییر را می‌توان در حوزه‌های چندی به شرح ذیل برشمرد (با استفاده از ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲).

جدول شماره یک- سازوکارهای توسعه امنیت فرهنگی

ردیف	قلمروهای عملیاتی	سازوکارهای تغییر
۱	ساختاری	جهت‌گرایی راهبردی متناسب و مناسب؛ تدوین طرح‌های سازماندهی کارآمد؛ توانمندسازی سازمانی (تواناسازی ساختاری و توسعه قابلیت‌های کارکردی) نهادها و دستگاه‌های متولی
۲	فردی-اجتماعی	آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی؛ توسعه انگیزش، تعهد و مشارکت اجتماعی؛ غربالگری و توانمندسازی (فردی و اجتماعی)
۳	فرهنگی	تغییر و توسعه الگوهای مشترک معنا؛ توسعه و نهادینه‌سازی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک؛ ارائه استانداردهای رفتاری؛ توسعه جو سالم، حمایت‌گر و نوآور
۴	سیاسی	ائتلاف و شبکه‌سازی؛ استفاده از ابزارهای قدرت و سیاست؛ مدیریت تناقض و تعارض
۵	اجرایی-عملکردی	بازتعریف مأموریت‌ها و خط‌مشی‌ها در تناسب با پویایی‌های محیطی؛ تغییر در روابط ساختاری-کارکردی سیستم‌های متولی؛ تغییر در شیوه‌ها و رویه‌های عملکردی؛ ممیزی‌های درونی، بیرونی و نهادی و پاسخ‌خواهی؛ مدیریت مرزی پویا (مرزبندی، مرزگستری و بی‌مرزی)
۶	محیطی	مدیریت محیط تعاملی؛ سازواری؛ تناسب راهبردی

د) اجرا و ممیزی طرح تغییر

پیش‌نگری و طرح‌ریزی لازم برای اجرا و ارزیابی تغییرات مورد نظر در زمینه توسعه امنیت فرهنگی، مبتنی بر تصمیمات و ترتیبات اتخاذ شده در مراحل پیشین طرح تغییر و صدا البته متناسب با شرایط و مقتضیات محیطی، موضوعی و قلمرویی طرح تغییر، می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت طرح و تحقق تغییرات مورد نظر در جهت توسعه امنیت فرهنگی باشد. در این راستا، در جهت اجرای تغییر مورد نظر، تشخیص، تعیین و یا ترسیم فرآیند و تمهید ترتیبات اجرای طرح تغییر با ملاحظه

تصمیمات و ترتیبات اتخاذ شده در مراحل قبلی (مبانی، رویکردها و سازوکارهای تغییر)، پیش‌نگری و برآورد در خصوص مواد زیر، مورد نظر می‌باشد:

الف) منابع و سرمایه‌های لازم جهت اجرای طرح و پیشبرد تغییرات مورد نظر و چگونگی تأمین و تخصیص و کاربست آن‌ها. ب) شناسایی چالش‌ها و موانع موجود یا ممکن‌الوقوع و چگونگی حل، رفع یا گذر از آن‌ها متناسب با شرایط و مقتضیات میدانی و عملیاتی پیشبرد تغییر. ج) شناسایی فرصت‌ها و بسترهای موجود و قابل تحقق و چگونگی بهره‌گیری از آن‌ها در مسیر اجرای طرح و پیشبرد تغییرات مورد نظر. در نهایت، اقدام عملی جهت فراهم‌سازی شرایط و تأمین و بکارگیری امکانات و انجام اقدامات لازم جهت تحقق عینی^۱ و عملیاتی^۲ تغییر مورد نظر در راستای توسعه امنیت فرهنگی، تکمیل‌کننده مرحله اجرای تغییر می‌باشد.

از سوی دیگر، همزمان با اجرای طرح تغییر و پیش و پس از آن، مبحث مهم و اقدام اساسی ممیزی (نظارت، ارزیابی، تأیید یا بازبینی)^۳ طرح تغییر یا هر یک از اجزای زنجیر، تغییر و در عین حال کنترل لازم و حصول اطمینان از صحت و کیفیت عملیات اجرای تغییرات مورد نظر در زمینه توسعه امنیت فرهنگی مطرح می‌گردد. این مهم از سه جهت مورد نظر قرار می‌گیرد: اجرای منسجم و درست طرح؛ تناسب‌های موقعیتی^۴ و یا حتی راهبردی^۵ اقدامات؛ اثربخشی و پاسخگویی اقدامات و نتایج. وجوه مذکور در یک طرح توسعه امنیت فرهنگی می‌تواند بر مبنای یک چارچوب سلامت

^۱. Objective

^۲. Operational

^۳. Verification

^۴. Integrity

^۵. Situational Appropriateness

^۶. Strategic Suitability

سیستمی مشتمل بر ابعاد سه‌گانه انسجام، اثربخشی^۱ و پاسخگویی به محیط^۲ (ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶)، از منظر درونی، بیرونی و نهادی و کیفیت راهبری تغییر بر این مبنا در مسیر تحقق امنیت فرهنگی مورد نظر در قلمرو تغییر مورد نظر و مورد نظارت و ارزیابی، تأیید و یا در صورت لزوم، مورد بازبینی قرار گیرد.

ه) الزامات، نیازها و ملاحظات برآورد و تأمین الزامات و نیازهای پیشبرد تغییر، ضرورتی انکارناپذیر است که نقشی کلیدی در پیشبرد و موفقیت هر طرح و تغییری خواهد داشت. از طرفی احصاء و انتقال ملاحظات عملکردی پیشبرد و پشتیبانی تغییر و رعایت و اعمال آن‌ها در مراحل مختلف اجرا و ممیزی تغییر توسط عوامل و مجریان مربوطه می‌تواند اقدامی پیش‌کنترلی در جهت تضمین و تأمین صحت، دقت و موفقیت اقدامات و عملیات تأمین و در عین حال تسهیل یا آمادگی لازم در این زمینه گردد. بنابراین، توجه و تعیین تکلیف در خصوص الزامات و نیازها و ملاحظات مرتبط با طرح توسعه امنیت فرهنگی، به‌خصوص با توجه به پویایی و پیچیدگی‌های حوزه فرهنگ و حساسیت مقوله امنیت فرهنگی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. با توجه به اینکه در بسیاری مواقع از جمله در مواردی که موضوع و طرح تغییر (مانند امنیت فرهنگی) پربُعد و گسترده باشند، به احتمال زیاد مجریان و عوامل اجرایی و عملیاتی تغییر، مراجع و اشخاصی غیر از طراحان تغییر می‌باشند. همچنین به دلیل تنوع و گستردگی موضوعی و تفاوت قلمروهای اجرایی و جغرافیایی اعمال تغییر، شرایط و مقتضیات مربوط متفاوت خواهد بود. در زمینه الزامات و نیازها، تحلیل و تعیین (ارزیابی، برآورد و الویت‌بندی) هرگونه الزامات یا نیازهای مادی (مالی و فیزیکی)، معنوی (اجتماعی، فرهنگی، فکری، روان‌شناختی و ...)، مرکب (انسانی، زمان و فضا) و یا برآیندی (فرصت‌ها، هم-افزایی‌ها، رویدادها و ...) (ترک‌زاده و راضی، ۱۴۰۲)، مرتبط با اجرا و ممیزی طرح توسعه امنیت فرهنگی مورد نظر می‌باشد که تأمین و به کارگیری آن‌ها باعث تضمین پیشبرد و موفقیت طرح تغییر مورد نظر می‌گردد. در این راستا می‌توان به صورت اقتضایی از الگوها و چارچوب‌های بُعدشناسی

^۱. Effectiveness

^۲. Response to Environment

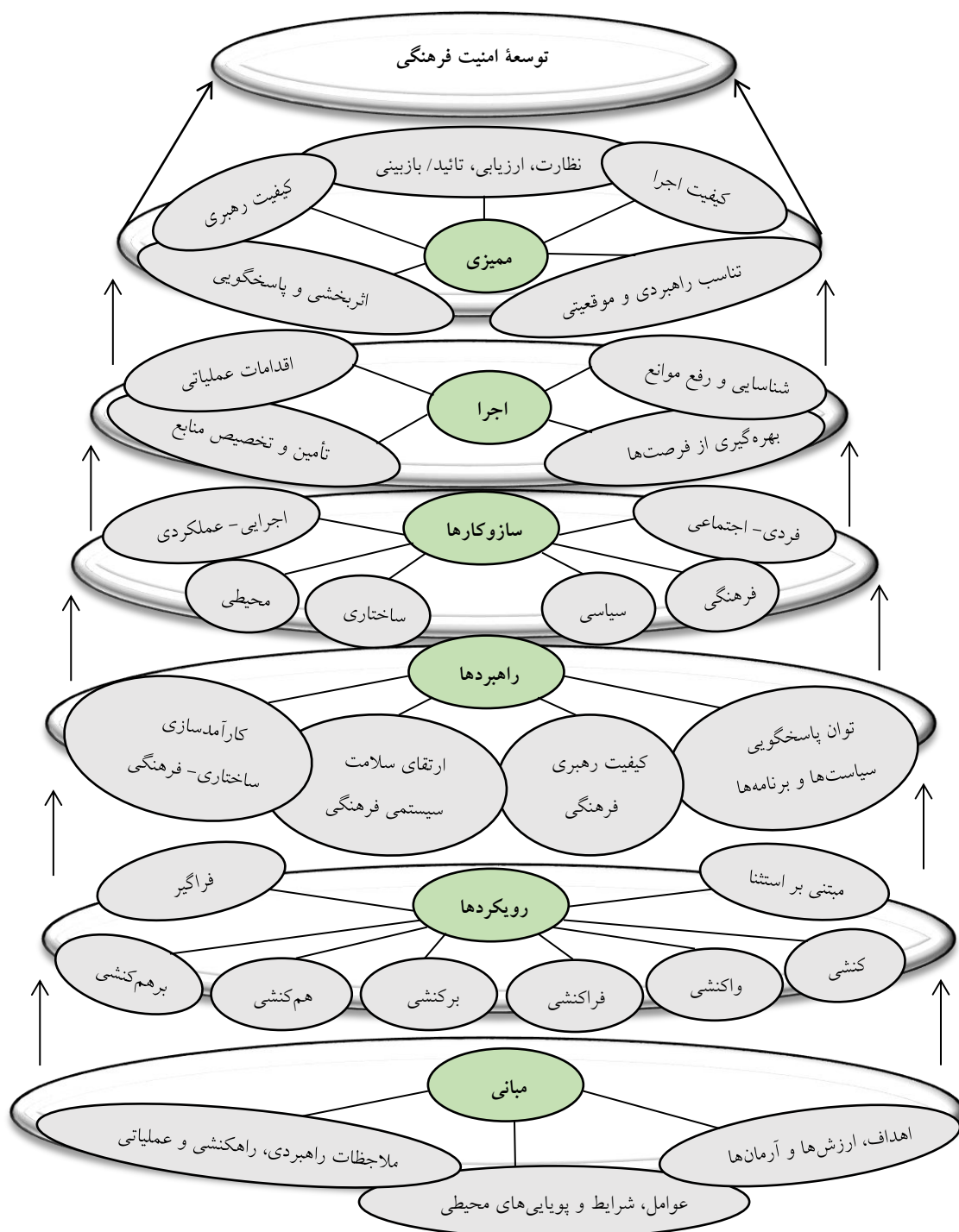
و نیازسنجی متناسب از قبیل الگوی تحلیل عناصر مستقیم و غیرمستقیم؛ تحلیل الزامات (موضوع، محیط، عملکرد و پشتیبانی)؛ و ماتریس‌های تحلیلی (اقدامات/ شرایط، الزامات، نیازها، منابع) (عباس‌زادگان و ترک‌زاده، ۱۳۸۳)، استفاده نمود.

در ملاحظات هرگونه توضیح، توجیه، تبیین، توجه یا ملاحظه، توصیه، ارجاع یا پشتیبانی‌های مختلف مرتبط با موضوع (توسعه امنیت فرهنگی) مراحل و ابعاد طرح تغییر، زمینه‌ها و بسترهای محیطی تغییر (مرتبط با امنیت فرهنگی) و عوامل پیران یا بازدارنده مرتبط با استراتژی‌ها و راهکارهای مدیریت محیط تعاملی و نیز هرگونه اقدامات پشتیبانی پیش، حین و پس از اجرای طرح تغییر که در راستای تسهیل و موفقیت طرح تغییر و نهاده‌سازی امنیت فرهنگی کارساز می‌باشند، قابل طرح است.

از جمله ملاحظات مهمی که شایسته است به طور کلی در هر طرح تغییری برای توسعه امنیت فرهنگی مورد نظر قرار گیرد، می‌توان به سیاست‌گذاری هماهنگ و فراگیر؛ همکاری منسجم و درست دستگاه‌های مختلف مرتبط با محوریت تعیین دستگاه یا دستگاه‌های مرجع در سطوح نهادی، اجرایی و فنی؛ اقناع‌سازی و جلب رضایت و مشارکت عمومی اقشار مختلف مردم؛ توسعه سیستم یکپارچه ممیزی جهت نظارت، ارزیابی و در صورت لزوم بازبینی‌های لازم در جهت افزایش تناسب، سازواری و عمل‌پذیری هرچه بیشتر طرح؛ صحت، سرعت و دقت و انجام به‌موقع^۱ اقدامات لازم؛ و ... اشاره نمود.

بدیهی است سایر ملاحظات محلی و موقعیتی و اجرایی و عملیاتی نیز لازم است مورد نظر قرار گیرند. شکل (۵) در یک نمای کلی، مراحل زنجیره تغییر جهت توسعه امنیت فرهنگی همراه با مؤلفه‌های مرتبط با هر مرحله را نشان می‌دهد.

^۱. Just In Time (TIM)



نمودار شماره پنج - طرح توسعه امنیت فرهنگی بر اساس زنجیره تغییر

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، تحت تأثیر رشد و گسترش سریع فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و جهانی شدن مبتنی بر آن، تعاملات مجازی و واقعی بین‌فرهنگی افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. در این میان، امنیت فرهنگی و مقوله‌های مرتبط و متأثر از آن، از جمله هویت ملی، انسجام ملی، تصویر بیرونی و پایداری فرهنگی، با چالش‌های قابل توجه‌ای مواجه شده است. عدم موفقیت در غلبه بر چالش‌های مذکور می‌تواند پایه‌های استقلال و اقتدار ملی را تضعیف نماید و برعکس. همچنین، حل و رفع چالش‌های یاد شده در یک راهبری نظام‌مند و موفق می‌تواند منجر به توسعه قدرت نرم و نفوذ و صدور ارزش‌های فرهنگی مورد نظر در عرصه بین‌المللی و به خصوص در میان ملل مسلمان گردد. در همین راستا یافته‌های پژوهش زارع و همکاران (۱۳۹۹) بر این امر تأکید دارد که یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار جوامع در دنیای کنونی، توسعه امنیت فرهنگی و تعالی ارزش‌های فرهنگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

البته امنیت فرهنگی پدیده‌ای پویا و چندلایه است که تأمین و تقویت آن در گرو مدیریت محیط تعاملی بر پایه طرح‌ریزی و اقدامات رهبردی، راه‌کنشی و عملیاتی درست، منسجم، اثربخش و پاسخگو به شرایط و مقتضیات "محیط-آینده" با ملاحظه عوامل مداخله‌گر درونی و بیرونی اثرگذار در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری و ... می‌باشد. به باور پورسعید (۱۴۰۱) امنیت فرهنگی ماهیت چندبعدی و پیچیده دارد و تحقق آن مستلزم سیاست‌گذاری و طراحی راهبردهای هدفمند در ابعاد، ارکان و سطوح مختلف حکمرانی جوامع می‌باشد. بر این اساس، توسعه امنیت فرهنگی مستلزم اتخاذ سیاست‌های راهبردی و توسعه طرح‌ها و مدل‌های مدیریتی کارآمد و عمل‌پذیری است که قابلیت تحقق در شرایط پویا و پیچیده محیطی موجود و آینده را داشته باشد و در نهایت بتواند به توسعه انسجام و تقویت هویت ملی و توسعه و استحکام سرمایه امنیت ملی منجر شود. در این راستا، مدل "زنجیره تغییر" به مثابه یک چارچوب تحلیلی نظام‌مند (کل‌نگر، هدف‌مدار، هوشمند) امکان بررسی ابعاد مختلف این پدیده و ارائه راهکارهای عملیاتی را فراهم می‌آورد. این مدل با ملاحظه چندلایگی و چندگانگی پویای موجود در عرصه تغییرات اجتماعی، با رویکردی نظام‌مند و جامع‌نگر از توجه به مبانی تغییر مورد نظر (توسعه امنیت فرهنگی) در سیستم‌های اجتماعی شروع می‌شود و تا ملاحظات عملکردی جهت پیشبرد و پشتیبانی

از فرایند تغییر گسترش می‌یابد و در این بین رویکردها، راهبردها و سازوکارها، روش‌ها و طرح اقدام (اجرای تغییر) در جهت تحقق و توسعه امنیت فرهنگی را نیز ارائه می‌دهد (جدول ۲).

جدول شماره دو- خلاصه طرح توسعه امنیت فرهنگی بر اساس مدل زنجیره تغییر

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
۱	مبانی	مطلوبیت‌ها: اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌ها در زمینه‌های حفظ هویت فرهنگی، تقویت ارزش‌های ملی و دینی، جلوگیری از نفوذ بیگانگان، الگوهای فرهنگی، سبک زندگی و ...
		اقتضائات: الزامات و ایجابات ناشی از شرایط و عوامل محیطی و پویایی‌های مؤثر بر سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی.
		مصلحت‌ها: ملاحظات سیاسی، راهبردی، راهکنشی (تاکتیکی)، اخلاقی، اجتماعی و عملیاتی.
۲	رویکردها	رویکردهای قلمرویی: مبتنی بر استثنا و فراگیر
		رویکردهای کنشی: کنشی، واکنشی، فراکنشی، برکنشی، هم‌کنشی، برهم‌کنشی
۳	راهبردها	ارتقاء توان پاسخگویی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی کشور
		کارآمدسازی ساختاری-کارکردی نهادها و مؤسسات متولی فرهنگ
		ارتقاء سلامت سیستمی فرهنگ ملی-اسلامی
		کیفیت رهبری فرهنگی کشور
۴	سازوکارها	ساختاری، فردی-اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجرایی-عملکردی، محیطی
۵	روش‌ها	مدل تغییر تناسب راهبردی: تغییر راهبردی، پاسخگویی راهبردی، توفیق راهبردی، محیط راهبردی
		مدل توسعه نظام‌های رفتاری: کنش تعاملی ابعاد مفهومی، ساختاری، عملکردی، رهبری، محیطی و مرزی
۶	اجرا	تأمین و تخصیص منابع و سرمایه‌های لازم جهت پیشبرد طرح
		شناسایی و رفع چالش‌ها و موانع موجود و راه‌حل‌های مقتضی
		شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و بسترهای موجود
		اقدامات عملیاتی
۷	ممیزی	نظارت، ارزیابی، تأیید/بازبینی در زمینه‌های:
		کیفیت اجرا
		کیفیت رهبری

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
		تناسب راهبردی و موقعیتی
		اثربخشی و پاسخگویی

شواهد میدانی و تجربی موجود، مبین ضرورت توسعه تعاملات بینابینی مثبت و سازنده دستگاه‌های متولی، دست‌اندرکاران و فعالین فرهنگی کشور تحت حکمرانی و رهبری هماهنگی است که بتواند نقش‌های جهت‌گیری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری لازم در عرصه فرهنگ و امنیت فرهنگی کشور را ایفا نماید. در واقع رهبری اثربخش فرهنگ و به تبع آن توسعه امنیت فرهنگی پایدار، مستلزم تمرکز جهت و هم‌افزایی تلاش‌ها، اقدامات و منابع و سرمایه‌های فرهنگی در جهت کلی مورد نظر، با حفظ تنوعات محلی موجود در یک فراچارچوب منسجم، اثربخش، کارآمد و پاسخگوی ملی و اسلامی است. در این مسیر، حکمرانی و رهبری اثربخش مستلزم توجه به مبانی و اصول، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی از یک‌سو و شناخت و درک واقع‌بینانه تحولات و پویایی‌های محیطی از سوی دیگر است. در همین راستا یافته‌های پژوهش رحمانی‌ساعد و شفیعی (۱۴۰۰) تحقق امنیت فرهنگی در گرو پویایی گفتمان فرهنگی در بستر توسعه هویت ایرانی-اسلامی و استقلال فرهنگی می‌باشد. چنین رویکردی ضمن حراست از هویت و ارزش‌های فرهنگ ملی و مقابله با تهاجم یا استحاله فرهنگی، قابلیت حفاظت از تنوع فرهنگی لازم و سودمند و همچنین تعامل هوشمندانه و اثربخش (مفید و مؤثر) با سایر فرهنگ‌ها را نیز فراهم می‌آورد. پایبندی به این مهم در جهت توسعه امنیت فرهنگی پایدار، مستلزم اتخاذ رویکردی هوشمندانه، کنش‌گر، تعامل‌گرا و مشارکت‌جویانه در میان نهادها و متولیان فرهنگی کشور در ذیل مرجعیت حکمرانی واحد (هماهنگ) است.

به‌زعم فوکویاما^۱ (۲۰۱۸) کشورهایی که امنیت فرهنگی خود را بر مبنای مشارکت عمومی، تقویت هویت ملی و هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و مردمی طراحی کرده‌اند، توانسته‌اند در برابر چالش‌های فرهنگی ایستادگی بیشتری نشان دهند. در این کشورها، پیوند میان سیاست‌های فرهنگی

^۱. Fukuyama

و مشارکت اجتماعی، علاوه بر تقویت انسجام فرهنگی، موجب افزایش توسعه پایدار نیز شده است. در همین راستا و بر مبنای اتخاذ رویکردی کنش‌گرایانه و پرهیز از انفعال در مواجهه با تحولات بالقوه و بالفعل فرهنگی، توجه به نقش و کارکرد نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه، ضرورتی ویژه می‌یابد. بر این اساس، راهبردها و سازوکارهای مبتنی بر کارآمدسازی، تقویت کیفیت رهبری و سلامت سیستمی نهادها، مؤسسات و مراجع رسمی و غیررسمی متولی یا مرتبط با فرهنگ، و جهت‌گیری راهبردی متناسب ضمن مدیریت محیط تعاملی و ایفای نقش تنظیم‌گری کارآمد از سوی مرجع حکمرانی یاد شده از ضرورت‌های اساسی و بنیادین در تأمین و تضمین امنیت فرهنگی می‌باشد.

منابع

۱. احمدی، سیدمحمدرضا؛ تکاوران، سامان؛ تکاوران، طیبه؛ تکاوران، اکرم و امین بهادران (۱۳۹۴) «تهاجم فرهنگی و شیوه‌های مقابله با آن»، **کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی**، فارس، شیراز.
۲. اسمعیلی اردکانی، علی (۱۴۰۱) «درآمدی نظری بر سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر شادکامی مردم»، **مطالعات راهبردی**، ۲۵(۲): ۷-۴۶.
۳. بخشی، عبدالله (۱۳۹۵) **اطلاعات و امنیت در کتاب و سنت**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۴. براتلو، فاطمه (۱۳۹۱) «امنیت فرهنگ و راهبردهای کلان آن در حوزه مدیریت فرهنگی»، **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، ۳(۲): ۱-۲۵.
۵. پورسعید، فرزاد (۱۴۰۱) «نسبت مفهومی فرهنگ و امنیت: جستاری در چیستی «امنیت فرهنگی»»، **مطالعات راهبردی**، ۲۵(۴)، ۱۷۷-۲۱۵.
۶. ترک‌زاده، جعفر (۱۳۸۸) «شناسایی و تحلیل چالش‌های توسعه مدیریت اسلامی؛ یک الگوی سیستمی»، **راهبرد یاس**، ۴(۳)، ۱۳۱-۱۴۶.

۷. ترک‌زاده، جعفر و زهرا پاکباز (۱۴۰۳) «جهاد تبیین؛ طرحی برای تغییر در سیستم‌های اجتماعی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۳(۱): ۳۴-۷.
۸. ترک‌زاده، جعفر؛ بصیری، سعیده و رضا عقیلی (۱۳۹۶) «مدل‌سازی سلامت سازمانی (مورد مطالعه: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان فارس)»، خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۸(۴): ۶۳-۴۵.
۹. ترک‌زاده، جعفر و فاطمه عبدشریفی (۱۳۹۵) «انسجام، آمادگی برای تغییر، سازمان، بانک»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۷(۴): ۶۱-۷۸.
۱۰. ترک‌زاده، جعفر و الهام راضی (۱۴۰۲) مدیریت برای پایداری؛ رویکرد تغییر در سیستم‌های اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. جعفرپورکلوری، راشد؛ علایی، سوسن و عباسعلی قیومی (۱۴۰۲) «الگوی حفظ امنیت فرهنگی با رویکرد پدافند غیرعامل در ایران اسلامی»، مدیریت فرهنگی، ۱۷(۱): ۲۰-۱.
۱۲. جعفری، احمد؛ سراج‌زاده، سید حسین و ابراهیم توفیق (۱۴۰۲) «تبارشناسی سیاست‌گذاری فرهنگی امنیت‌مدار در ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۶(۴): ۳-۲۶.
۱۳. حسینی، سید مجتبی؛ عامری گلستانی، حامد؛ یوسفی، بهرام و فریدون اکبرزاده، (۱۴۰۱) «بررسی موانع و راهکارهای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات راهبردی بسیج، ۲۵(۹۴): ۵-۳۷.
۱۴. دشتی، فرزانه و حدیث باقری‌نیا (۱۳۹۹) «بازخوانی مسأله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر بینش، نگرش و کنش مقام معظم رهبری)»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۳): ۴۱-۶۲.
۱۵. رحمانی‌ساعد، هادی و جمال شفیعی (۱۴۰۰) «مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی»، امنیت ملی، ۱۲(۳): ۲۹۹-۳۳۲.
۱۶. زارع، سعیده؛ جهانیان، رمضان و مهتاب سلیمی (۱۳۹۹) «طراحی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار»، نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۱۶(۱): ۲۲-۳۹.

۱۷. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۴۰۲) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه.
۱۸. سیمبر، رضا و دانیال رضاپور (۱۳۹۷) «امنیت فرهنگی از منظر آیت ... خامنه‌ای»، بحران- پژوهی جهان اسلام، ۵(۳): ۱۵۶-۱۳۱.
۱۹. شرفی‌جم، محمدرضا (۱۳۸۵) «بحران هویت فرهنگی در ایران و پیامدهای آن»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۶(۲): ۴۵-۶۰.
۲۰. شفیع، جمال و محمد مولایی (۱۳۹۹) «نظریه‌پردازی؛ الگوی راهبردی دین در تولید امنیت فرهنگی»، امنیت ملی، ۱۰(۳۶): ۴۳-۸۶.
۲۱. عباس‌زادگان، سیدمحمد و جعفر ترک‌زاده (۱۳۸۳) نیازسنجی آموزشی در سازمان‌ها، جلد ۳. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. عرفان، امیرمحسن (۱۴۰۰) «چالش‌های فراوری جمهوری اسلامی در مهندسی فرهنگ انسجام و وحدت در جهان اسلام»، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۸(۶۵): ۸۵-۱۱۰.
۲۳. قربان‌پور دشتکی، علی (۱۳۹۶) «رهیافت "فرهنگ استراتژیک" ملی در الگوی دیپلماسی فرهنگی چندجانبه (با تأکید بر امنیت فرهنگی)»، سیاست متعالیه، ۵(۱۹): ۹۵-۱۱۲.
۲۴. کریمی، غلامرضا؛ احمدپور، مریم و شیرین حدادزند (۱۴۰۲) «تبیین سیر تحول مفهوم امنیت و پیامد بین‌المللی آن»، مطالعات فرهنگ دیپلماسی، ۲(۱): ۲۳-۲.
۲۵. گال، مردیت دامین؛ بورگ، والتر و جویس گال (۱۳۹۳) روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه: حمیدرضا عریضی، محمد خیر، زهره خسروی، محمود ابوالقاسمی، خسرو باقری، محمدجعفر پاک‌سرشت، منیجه شهنی‌بیلاق، احمدرضا نصر، علیرضا کیامنش. تهران: سمت.
۲۶. مالکی گمچی، اسداله و ناصر اصلانی (۱۳۹۴) «هویت ملی و هویت ایرانی - اسلامی بنیاد انسجام و همبستگی ملی اقوام»، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سنج.

۲۷. محرمی، توحید (۱۳۹۷) «آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی»، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۱(۱): ۶۵-۸۹.
۲۸. مرادی، علیرضا؛ کاووسی، اسماعیل و عباسعلی قیومی (۱۳۹۴) «طراحی الگوی هم افزایی فرهنگی در ایران»، *سیاستگذاری عمومی*، ۶(۱۸): ۲۲۶-۲۷۱.
۲۹. مقتدائی، مرتضی و علیرضا ازغندی (۱۳۹۵) «آسیب‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *تخصصی علوم سیاسی*، ۱۲(۱): ۷-۲۶.
۳۰. نارویی، مهدی؛ حسین زائی، محمدانور؛ تقوی؛ رشیدی‌زاده، حسین و زلیخا امیریان (۱۴۰۲) «نقش و کارکرد رهبران در فرآیند تغییر و تحول سازمانی»، *مطالعات علوم اجتماعی*، ۹(۱): ۱-۱۰.
۳۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت (۱۳۹۵/۰۴/۰۳).
[Https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)
۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح (۱۴۰۱/۰۷/۱۱).
[Https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)
۳۳. بیانات در هفدهمین دوره دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی
[Https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir) (۱۳۸۶/۰۸/۱۶).
34. Abass, R. A. R., Fakhrludeen, H. F., Al-Dulaimi, O., Ali, B. M., Khurramov, A., Jabbar, F. I., & Algburi, S. (2025) «Reimagining Research for Renewable Energy Resources Solutions: Integrating Intergovernmental Panel on Climate Change Assessments for Effective Global Action». *Unconventional Resources*, 100165.
35. Anheier, H. K. (2020) «Cultures, Values, and Identities: What Are the Issues? » *Global Perspectives*, 1(1), 11755.
36. Bonnell, V. E., & Hunt, L. (Eds.). (2023) *beyond the cultural turn: New directions in the study of society and culture* (Vol. 34). Univ of California Press.
37. Bui, H. T., Jones, T. E., Weaver, D. B., & Le, A. (2020) «The adaptive resilience of living cultural heritage in a tourism destination» *Journal of Sustainable Tourism*, 28(7), 1022-1040.

38. Caballero-Anthony, M. (2016) «Non-traditional security concept, issues, and implications on security governance», **Georgetown Journal of Asian Affairs**, 3(1), 5-13.
39. de Vasconcelos Gomes, L. A., Chaparro, X. A. F., Maniçoba, R. F., Borini, F. M., & Silva, L. E. (2025) «Transformation of the governance of failure for radical innovation: The role of strategic leaders». **Research Policy**, 54(1), 105108.
40. Fukuyama, F. (2018) **Identity: The demand for dignity and the politics of resentment**. Farrar, Straus and Giroux.
41. Han, L. (2014) «Chinese Cultural Security in the Information Communication Era». **Focus Asia Perspective & Analysis**, (6).
42. Hershey, P., Blanchard, K. H., & Johnson, D. (2015) **Management of organizational behavior: Leading Human ource**, 10th ed. New Delhi: Pearson.
43. Lincoln, Y. S., & E. G. Guba, (1985) **Naturalistic inquiry**, Thousand Oaks. CA: Sage. P: 124
44. Miller, L. (2025) **Integrating Human, Social, and Sustainable Development: An Integrative Approach to Realizing the Goals that Social Action Aims to Achieve**. Ethics International Press.
45. Mızrak, F. (2024) «Effective change management strategies: Exploring dynamic models for organizational transformation». In **Perspectives on artificial intelligence in times of turbulence: Theoretical background to applications** (pp. 135-162). IGI Global.
46. Ocholla-Ayayo, A. B. C. (2002) **Culture as a Lived Experience**. Population Studies and Research Institute, University of Nairobi.
47. Senthamarai, S. (2018) «Interactive teaching strategies». **Journal of Applied and Advanced Research**, 3(1), S36-S38.
48. Woodall, J., & Winstanley, D. (1998) **Management development: Strategy and practice**. Blackwell Business.